

ی. ج. تسره تلی و مبارزه طبقاتی

کلیه روزنامه‌ها تمام یا قسمتی از نطقی را که ی. ج. تسره تلی در ۲۷ آوریل در جلسه تشریفاتی نمایندگان کلیه دوماها، اعم از گذشته و حال، ایراد کرده بود، چاپ کرده‌اند. این کاملاً یک نطق وزارتی بود، نطق وزیری که مقام وزارت ندارد. با این وصف ما فکر می‌کنیم که زیانی ندارد که حتی وقتی وزرای بدون منصب نطقهای وزارتی ایراد می‌کنند کمی درباره سوسیالیسم، مارکسیسم و مبارزه طبقاتی بیاندهند. از کوزه همان تراود که در اوست. اقتضای بورژوازی اینست که از هر نوع صحبتی درباره مبارزه طبقاتی اجتناب کند، از تجزیه و تحلیل، مطالعه و مبنا قرار دادن آن برای تعیین سیاستها پرهیزد. اقتضای بورژوازی اینست که این موضوعات «نامطبوع» و «بی‌موقع» – آنطور که در گفتگوهای درگوشی توصیف می‌شود – را رد کند و بجای آن نغمه ستایش از «اتحاد» بین «تمام دوستان آزادی» را سردهد. اقتضای حزب پرولتاریا اینست که مبارزه طبقاتی را فراموش نکند. از کوزه همان تراود که در اوست.

دو نظر سیاسی اساسی در سخنرانی ی. ج. تسره تلی نهفته است. اول اینکه می‌توان و باید بین دو «بخش» از بورژوازی خط فاصلی کشید. یک بخش «با دمکراتها به توافق رسیده است»؛ موقعیت این بخش از بورژوازی «مطمئن» است. بخش دیگر از «عناصر غیرمسئول بورژوازی که برانگیزاننده جنگ داخلی هستند» یا کسانی که تسره تلی آنها را «افراد بسیاری از بین عناصر میانی صاحبان دارائی» توصیف می‌کند، تشکیل یافته.

نظر سیاسی دوم سخنران اینست: «هر کوششی در حال حاضر برای اعلام [!؟] دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان» یک کوشش «نومیدانه» است، و او (یعنی تسره تلی) تنها وقتی با چنین عملی موافق خواهد بود که بتواند حتی برای لحظه‌ای باور کند که عقاید شولگین حقیقتاً «اعتقاد مشترک تمام بورژوازی صاحب دارائی است».

اجازه بدهید که این نظرات سیاسی ی. ج. تسره تلی را بررسی کنیم، کسی که همچنان که برازنده یک وزیر بدون منصب یا یک کاندید وزارت است، یک موضع میانی اتخاذ کرده که نه در سمت ارتجاع و نه در سمت انقلاب، نه با شولگین و نه با طرفداران «کوششهای نومیدانه» است.

تسره تلی چه تفاوت طبقاتی بین دو بخش ذکر شده بورژوازی قائل شده است؟ مطلقاً هیچ تفاوتی. این امر حتی به فکر تسره تلی هم خطور نکرد که ضرری ندارد که سیاستها را بر مبنای مبارزه طبقاتی شکل داد. هر دو «بخش» بورژوازی از جهت ماهیت طبقاتی از زمینداران و سرمایه داران تشکیل شده است. تسره تلی درباره اینکه شولگین همان طبقات یا اقشاری را نمایندگی نمی‌کند که گوچکف – که یکی از اعضای مهم دولت موقت است – حتی کلمه‌ای به میان نمی‌آورد. تسره تلی عقاید شولگین را از عقاید «تمامی» بورژوازی صاحب دارائی جدا می‌سازد، ولی هیچ دلیلی برای اینکار ارائه نمی‌دهد، و هیچ دلیلی هم نمی‌توانست ارائه دهد. شولگین طرفدار قدرت متمرکز دولت موقت است؛ او مخالف نظارت سربازان مسلح بر این دولت است؛ او با «تبلیغات ضدانگلیسی»، با اینکه سربازان رفتار «تحریک کننده» نسبت به «طبقه افسران» داشته باشند، با تبلیغات پتروگرادسکایا استرونا [۱] و غیره مخالف است. این نظرات همه روز، در ستونهای رچ و در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌های وزرای صاحب منصب به چشم می‌خورد.

تنها تفاوتی که وجود دارد اینست که شولگین «صریح تر» صحبت می کند و دولت موقت، که به هر حال یک دولت است، «محتاطانه تر» حرف می زند؛ شولگین با صدای بم و میلیوکف با صدای زیر صحبت می کنند. میلیوکف طرفدار یک توافق با «شورا» است و شولگین هم هیچ مخالفتی با این توافق ندارد. هم شولگین و هم میلیوکف طرفدار «روشهای کنترل دیگری» هستند (و نه کنترل توسط سربازان مسلح).

تسره تلی تمام نظرات مربوط به مبارزه طبقاتی را به دور افکنده است. او هیچ اشاره ای به تفاوت های طبقاتی یا تفاوت های سیاسی جدی بین «دو بخش» بورژوازی نمی کند، و حتی به فکر این هم نبوده که چنین تفاوت هایی را بیان کند.

منظور تسره تلی از «دمکراتها» در سخنرانی «پرولتاریا و دهقانان انقلابی» بوده است. بگذارید این تعریف طبقاتی را بشکافیم. بورژوازی با این دمکراتها به یک توافق رسیده است. هر کس حق دارد بپرسد چه چیز اساس این توافق را تشکیل می دهد، و این توافق بر پایه کدام منافع طبقاتی استوار است؟

در سخنرانی تسره تلی یک کلمه هم راجع به این مسئله وجود ندارد. تنها چیزی که او درباره اش صحبت می کند یک «پلاتفرم دمکراتیک مشترک است که ثابت شده در حال حاضر برای تمام کشور قابل قبول است»، یعنی ظاهراً برای پرولتاریا و دهقانان قابل قبول است، زیرا «کشور» در واقع بدون احتساب صاحبان دارائی از کارگران و دهقانان تشکیل شده است.

آیا در این پلاتفرم فرضاً مسئله زمین مستثنی شده است؟ خیر. پلاتفرم از کنار آن گذشته است. آیا منافع طبقاتی و تضاد بین طبقات با از کنار آنها گذاشتن در اسناد دیپلماتیک، «موافقت» نامه ها، سخنرانی ها و اظهارات وزراء ناپدید می شوند؟

تسره تلی «فراموش» کرده که این سؤال را مطرح کند، او «جزئیات ناچیز» را به فراموشی سپرده - او «فقط» منافع طبقاتی و مبارزه طبقاتی را از یاد برده است ...

ی.ج. تسره تلی چنین کلام را به درازا می کشاند «تمام مسائل انقلاب روسیه و اصل مسئله [!؟] به این بستگی دارد که آیا طبقات دارا [یعنی زمینداران و سرمایه داران] درک خواهند کرد که این یک پلاتفرم ملی و نه پلاتفرمی صرفاً پرولتری است یا خیر.»

بیچاره زمینداران و سرمایه داران! آنها چقدر کند ذهن هستند. آنها «درک نمی کنند». آنها به یک وزیر ویژه دمکراسی احتیاج دارند که به آنها چند و چون قضایا را بفهماند.

شاید اینطور باشد که این سخنگوی «دمکراتها» مبارزه طبقاتی را فراموش کرده، موضع لوئی بلان را اتخاذ نموده و تضاد میان منافع طبقاتی را با لفاظی به کنار می زند؟

آیا شولگین و گوچکف همراه با میلیوکف هستند که «درک نمی کنند» که دهقان می تواند با زمیندار بر سر پلاتفرمی که از کنار مسئله زمین می گذرد توافق کند؟ و یا ی.ج. تسره تلی است که «درک نمی کند» که این کار شدنی نیست؟

کارگران و دهقانان باید خود را محدود به آن چیزی کنند که از نظر زمینداران و سرمایه داران «قابل قبول» است - اینست جان کلام (به مفهوم طبقاتی و نه لغوی آن) موضع شولگین - میلیوکف - پلخانف. و آنها این را بهتر از تسره تلی «درک می کنند».

حال به نظر سیاسی دوم تسره تلی می رسیم - اینکه دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان (در ضمن دیکتاتوری «اعلام» نمی شود بلکه در مبارزه به دست می آید) یک اقدام نومیدانه خواهد بود. در حله اول صحبت کردن از این دیکتاتوری به سادگی امروز احتمالاً تسره تلی را در بایگانی

«بلشویکهای قدیم» خواهد انداخت.* در حلهٔ دوم، و مهم ترین آنها، کارگران و دهقانان اکثریت عظیم جمعیت را تشکیل می دهند. و آیا مفهوم «دمکراسی» این نیست که خواست اکثریت عملی شود؟

بنابراین چطور ممکن است که انسان یک دمکرات باشد و در عین حال با «دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان» مخالفت ورزد؟ چطور ممکن است انسان از «جنگ داخلی» ناشی از آن بترسد؟ (چه نوع جنگ داخلی؟ جنگ میان تعدادی معدود از زمینداران و سرمایه داران علیه کارگران و دهقانان؟ جنگ بین اقلیتی ناچیز و اکثریتی قاطع؟).

ی.ج. تسره تلی به صورت نومیدانه‌ای گیج است. او حتی فراموش کرده است که اگر لووف و شرکاء به وعدهٔ خود مبنی بر فراخواندن مجلس مؤسسان عمل کنند، این مجلس [ارگان] «دیکتاتوری» اکثریت خواهد شد. و یا کارگران و دهقانان باید حتی در مجلس مؤسسان خود را محدود به چیزی کنند که از نظر زمینداران و سرمایه داران «قابل قبول» است؟ کارگران و دهقانان اکثریت عظیم را تشکیل می دهند و آن وقت به زعم شما سپردن تمام قدرت به دست این اکثریت یک «کوشش نومیدانه» است ...

تسره تلی در گیجی به سر می برد زیرا او مبارزهٔ طبقاتی را کاملاً نادیده گرفته است. او موضع مارکسیسم را ترک گفته و به موضع لوئی بلان در غلطیده است که خود را قانع کرده بود که مبارزهٔ طبقاتی را کنار بگذارد.

وظیفهٔ یک رهبر پرولتری اینست که اختلاف میان منافع طبقاتی را روشن سازد و بخشهای معینی از خرده بورژوازی (برای مثال دهقانان تهیدست) را تشویق کند که به انتخاب میان سرمایه داران و کارگران مایل گردند، و در این انتخاب جانب کارگران را بگیرند.

وظیفهٔ لوئی بلان های خرده بورژوا اینست که اختلاف میان منافع طبقاتی را بی اهمیت جلوه دهند و بخشهای معینی از بورژوازی (عمدتاً روشنفکران و طرفداران پارلمانتاریسم) را تشویق کنند که با کارگران «توافق» نمایند، کارگران را تشویق کنند که با سرمایه داران به «توافق» برسند، و دهقانان را به «توافق» با زمینداران ترغیب نمایند.

لوئی بلان سخت کوشید که بورژوازی پاریس را اغوا نماید و آنطور که می دانیم، موفق به ترغیب آنها به امتناع از کشتارهای جمعی ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ نشد.

پراودا - شمارهٔ ۴۴

۱۲ مه (۲۹ آوریل) ۱۹۱۷

امضاء : ن. لنین

مجموعه آثار لنین، جلد ۲۴

توضیحات

۱- پتروگراسکایا استرونا - محله‌ای در پتروگراد که در آنجا کمیته‌های شهری و مرکزی حزب بلشویک، سازمان نظامی تحت کنترل کمیتهٔ مرکزی حزب، کلوپ سربازان و سایر تشکیلات کارگران و سربازان قرار داشت. تمام این تشکیلات در مقر قصر سابق کشسینسکایا مستقر بودند.

* رجوع کنید به جزوهٔ من تحت عنوان «نامه‌هایی دربارهٔ تاکتیکها». (صفحات ۴۶-۴۵ از جلد ۲۴ مجموعه آثار لنین را ملاحظه نمایید - مترجم